

گرایش اجتماعی در المیزان فی تفسیر القرآن

سیّده فاطمه حسینی میرصفی*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ع^ه)، شهر ری

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۵/۲۵)

چکیده

قرآن کریم علاوه بر احکام فردی، به تبیین احکام اجتماعی نیز پرداخته است. مفسران قرآن کریم در دو قرن چهاردهم و پانزدهم اهتمام ویژه‌ای نسبت به گرایش اجتماعی داشته‌اند. تحولات دو قرن اخیر و نهضت اصلاحی و بازگشت به قرآن، موجب طرح مقولات اجتماعی گوناگونی گردید و همین امر سبب شد که آن موضوعات به حوزه تفسیر نیز وارد شود. در این مقاله، دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبائی با رویکرد گرایش اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از موضوعات محوره‌های اجتماعی در تفسیر المیزان، مبانی تفسیر اجتماعی و نیز ویژگی‌های گرایش اجتماعی در این تفسیر بحث شده است.

واژگان کلیدی: گرایش (اتجاه)، تفسیر، گرایش اجتماعی، تفسیر اجتماعی، تفسیر المیزان.

* E-mail: mirsafy@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم همان گونه که به عقاید و احکام تکلیفی انسان می‌پردازد، بسیاری از مطالب مربوط به زندگی اجتماعی بشر را بیان کرده است. این بُعد از قرآن از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است و به تفسیر آیات مربوط به آن می‌پرداختند. توجه به نیازهای موجود و منطبق نمودن مفاهیم قرآنی با مسائل اجتماعی، کشف و ارایه پیام هدایت قرآن در تمامی مسائل مرتبط با حیات، ویژگی بارز تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی است. مفسرانی که با عنایت به نکات اجتماعی، آیات قرآن کریم را تفسیر کرده‌اند، معتقدند که جامعه اسلامی از مفاهیم قرآن دور افتاده است و برای احیای روح جمعی مسلمانان باید قرآن را بر اساس توجه به عینیت‌ها و به انگیزه پا سخگویی به ضرورت‌های زندگی کنونی تفسیر کرد.

در قرون اخیر، این گرایش تفسیری با جنبش اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر و با نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام شکل گرفت (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۶۵—۴۵۶؛ ذهبی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۰۱ به بعد و شریعتی، بی‌تا: ۱—۲). مصلحان معاصر با این تفکر کوشیدند پاسخی مناسب برای عقب‌ماندگی جوامع اسلامی بیابند و با استناد به آیات قرآن کریم برای مشکلات جوامع اسلامی پاسخی مناسب ارایه دهند. آنان با تکیه بر شعار تجدّدخواهی دینی برای اتحاد دنیای اسلام و برای مقابله با نفوذ استعمار، شعار برگشت به اصول دین اسلام را سر دادند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۵۴۸). این جریان سپس به وسیله شیخ محمد عبده و رشید رضا در تفسیر المنار، شیخ احمد مصطفی مراغی در تفسیر مراغی و سید قطب در فی ظلال القرآن و علامه طباطبائی در المیزان فی تفسیر القرآن ادامه یافت و افراد دیگری نیز به این جریان پیوسته‌اند. بنابراین، توجه و اهتمام ویژه مفسران قرآن کریم در دو قرن چهاردهم و پانزدهم به این جریان کاملاً م‌شهود است. علامه طباطبائی، مانند هر مفسر اجتماعی دیگر، هدفش بازگشت آموزه‌های قرآن به متن زندگی مردم است و بر این باور است که قرآن کتاب هدایت و زندگی می‌باشد.

۱- محورهای اجتماعی در تفسیر المیزان

با مطالعه و بررسی اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبائی در تفسیر المیزان درمی‌یابیم که ایشان به مسائل متعددی پرداخته‌اند که جنبه اجتماعی دارند. م‌سأله حکومت اسلامی و مسائل سیاسی جامعه اسلامی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۵۲)، هویت‌بخشی به جامعه اسلامی، تبیین وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی (الحدید/ ۲۵؛ المائده/ ۴۸ و النساء/ ۷)، رابطه در جامعه اسلامی

(ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۴۴)، امر به معروف و نهی از منکر (ر.ک؛ همان، ج ۳: ۵۷۷)، همکاری و تعاون اجتماعی در امور خیریه و رسیدگی به فقرا (ر.ک؛ همان، ج ۵: ۲۶۶)، توجه به تعلیم، تربیت و اهمیت علم در اسلام و نیز توجه به علوم طبیعی و انسانی در تفسیر قرآن، تعامل میان دین و تکنولوژی و علم و عقل (ر.ک؛ کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۱)، کارآیی بخشیدن به تعالیم اسلام به عنوان یک مکتب فکری و اجتماعی، عدالت اجتماعی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۷۹)، مسأله آزادی انسان (ر.ک؛ همان، بی تا: ۳۹) و لزوم مبارزه با ظلم و استبداد (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۲: ۲۴۳-۲۴۲)، تفسیر سنت‌های الهی در زندگی و مرگ جوامع و تمدن‌ها (ر.ک؛ همان، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۸۷ و همان، ج ۱۹: ۶۵۸)، جهاد اسلامی (ر.ک؛ همان، ج ۹: ۱۵۱) و لزوم مبارزه با دشمنان اسلام همچون استعمار و صهیونیسم (ر.ک؛ همان، ج ۴: ۱۶۸) و ... از جمله محورهای موضوع‌های مهم در گرایش اجتماعی در تفسیر المیزان است که علامه طباطبائی نسبت به تبیین این مسائل اهتمام ورزیده‌اند.

۲- مبانی نظری تفسیر اجتماعی المیزان

تفسیر با گرایش اجتماعی، تفسیری است که می‌کوشد با کشف و آرایه پیام و هدایت قرآن در تمام مسائل مرتبط با زندگی اجتماعی، علاوه بر درمان مشکلات و معایب آن، شایستگی و صلاحیت قرآن را برای هدایت انسان اثبات کند (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۳). «این نهضت ادبی - اجتماعی با تلاش و کوشش فراوانی در راه تفسیر قرآن و تقریب آن به فهم همگان و انطباق آن با واقعیات موجود آغاز شد و از امتیازات آن، این است که رنگی نو به خود گرفته، با چهره فرهنگ و ادب معاصر و با پرداختن به مسائل جامعه درخشیده است و هرگز تقلیدگونه به مسائل ظاهری و خسته‌کننده که موجب دوری مردم از قرآن می‌شود، نپرداخته است. این تفسیر، پدیده‌ای نوظهور است که نخست به اظهار دقایق تعابیر قرآنی و آنگاه بیان آنها با اسلوب زیبا و ادبی و تطبیق آنها با هستی و حیات و سُنن اجتماعی موجود در جامعه پرداخته است» (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۸۱). برخی از مبانی نظری تفسیر اجتماعی المیزان به شرح ذیل می‌باشد:

۲-۱) تقریر و تأیید ذاتی و فطری بودن روحیه اجتماعی انسان

نوع زندگی انسان همواره به صورت اجتماعی بوده است و آیات متعددی در قرآن کریم نیز بیانگر این امر می‌باشد (البقره/ ۲۱۳؛ الحجرات/ ۱۳ و الزخرف/ ۳۲). انسان موجودی اجتماعی است و این امر منشاء درونی و طبیعی دارد؛ به عبارت دیگر، میل به زندگی اجتماعی به صورت فطری در

درون انسان نهاده شده است و این میل او را به معاشرت با دیگران سوق می‌دهد. در این دیدگاه، انسان مدنی‌الطبع است (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۰۹-۱۰۸ و المراغی، ۱۹۶۲م، ج ۲: ۱۲۱).

علامه طباطبائی در ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره ضمن اشاره به مدنی‌الطبع بودن بشر می‌نویسد که انسان، این موجودی که به حسب فطرت خود اجتماعی و تعاونی است، در اولین اجتماعی که تشکیل داد، یک امت بود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۱۱).

۲-۲) تأثیر رفتارهای فردی بر حیات جمعی و بر عکس آن

وجود سنت عقوبت و عذاب دنیوی برای همه افرادی که در یک جامعه ظالم زندگی می‌کنند، نشان‌دهنده تأثیرگذاری رفتارهای فردی بر سرنوشت و حیات جمعی است، همچنان که نوع جامعه و رفتارها و عملکرد آن نیز بر افراد تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از آیات قرآن کریم به أجل جمعی و گروهی اشاره می‌کند؛ از جمله: ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرَبَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ * مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُونَ: ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم، مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییرناپذیری) داشتند. * هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نخواهد افتاد» (الحجر/ ۴-۵). نیز می‌فرماید: ﴿أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدْ أَفْتَرَبَ أَجَلَهُمْ قَبْلَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ: آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد﴾ (الأعراف/ ۱۸۵).

در این آیات نیز به اجل گروهی و جمعی اشاره می‌کند و این در حالی است که تعدادی از افراد یک جامعه معمولاً در یک زمان واحد نمی‌میرند و غالباً افراد دارای زمان مرگ متفاوتی هستند. اما وقتی که به صورت یک گروه اجتماعی به آنها می‌نگریم و آنها را یک مجموعه تلقی می‌کنیم، در ظلم، عدالت، خیر و شرّ بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و در این صورت است که اجل واحدی هم دارند و این اجل گروهی، همان اجل امت است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۸۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ۱۹۴ و عبده و رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۸: ۳۶۲-۳۵۷).

علامه درباره اجل و مهلت امت‌ها می‌نویسد: «امم و جوامع بشری هم مانند افراد دارای عمری معین و اجلی محدودند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰۷). هر امتی حیاتی اجتماعی، وراء حیات فردی که مخصوص تک‌تک افراد است دارد و حیات اجتماعی هر امت از بقاء و عمر آن مقداری را

دارد که خدای سبحان برایش مقدر کرده است و نیز از سعادت، شقاوت، تکلیف، رشد، ضدّ رشد، ثواب و عقاب سهمی دارد که خدای تعالی برایش معین فرموده است و این حقیقت از چیزهایی است که تدبیر الهی عنایتی به آن دارد، همچنان که در تک تک انسان‌ها طابق النعل بالنعل چنین تقدیرهایی را مقدر فرموده است» (همان، ج ۱۰۶: ۱۰۶).

۲-۳) توجّه اسلام به امر اجتماع

اسلام دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده است و نیز این معنا را به صراحت اعلام کرده است و در هیچ شأنی از شئون بشری مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته، روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکام خود دمیده است. اولین ندایی که از بشر برخاست و برای اولین بار بشر را دعوت نمود که به امر اجتماع اعتناء و اهتمام بورزد، ندایی بود که شارع اسلام و خاتم انبیاء (علیهم‌السلام) سر داد و مردم را دعوت کرد به اینکه آیاتی را که از ناحیه پروردگارش به منظور سعادت زندگی اجتماعی و پاکی آنان نازل شده، پیروی کنند؛ مانند این آیات که می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ. و اینکه راه من مستقیم است. پس مرا پیروی کنید و به دنبال راه‌های دیگر مروید که شما را متفرق می‌سازد﴾ (الأنعام/۱۵۳) و ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا: همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق مشوید﴾ (آل عمران/۱۰۳). تا آنجا که به مسئله حفظ مجتمع از تفرق و انشعاب اشاره نموده است و می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ: باید از شما گروهی باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نموده، امر به معروف و نهی از منکر کنند و ایشان تنها رستگاران هستند و شما مانند آن اقوام مباشید که فرقه‌فرقه شدند و بعد از آنکه آیاتی روشن بر ایشان آمد، باز اختلاف کردند﴾ (آل عمران/۱۰۵). آیاتی دیگری نیز هست که به صورت مطلق مردم را به اصل اجتماع، اتحاد و عدم تفرقه دعوت می‌کند (برای نمونه؛ الحجرات/۱۰ و الأنفال/۴۶) و در آیات دیگری (مانند: المائده/۲ و آل عمران/۱۰۴) که به تشکیل اجتماعی خاص، یعنی خصوص اجتماع اسلامی بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن منافع و مزایای معنوی و مادی آن دعوت می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۰-۱۴۸).

علامه طباطبائی نیاز اجتماعی را دلیل روی آوردن انسان به زندگی اجتماعی می‌داند و چنین می‌نویسد: «انسان هرگز جز سعادت و کامرانی خویش را در زندگی نمی‌خواهد و نمی‌جوید که البته

این سعادت جز در سایه تأمین کامل همه و سایل زندگی ممکن نیست. از طرف دیگر، بشر با فهم خدادادی خویش درک می‌کند که هرگز نمی‌تواند همه این نیازمندی‌ها را به تنهایی به دست آورد و آماده سازد و بدین وسیله، سعادت دلخواه خویش را تأمین نماید؛ زیرا بدیهی است که تحصیل همه احتیاجات زندگی از توانایی یک فرد، هر چند نیرومند، بیرون است. از این رو، ناچار برای رفع نیازمندی‌های خویش با افراد هم‌نوع خود همکاری کرده، به صورت دسته‌جمعی به تحصیل و سایل حیاتی خود می‌پردازد» (همان، بی تا: ۷-۸).

بنابراین، زندگی اجتماعی عرصه تعاملات جامعه و افراد آن است. افراد از محیط اجتماعی خود و جامعه نیز از افراد اثر می‌پذیرند. قرآن کریم مناسبات اجتماعی را در سعادت و کمال انسان ضروری می‌داند و تکالیف اصلاحی اجتماعی برای افراد معین می‌کند و بر انجام آن تأکید می‌ورزد. از نظر قرآن، سرنوشت جامعه و افراد، مستقل از هم نیست و صلاح و فساد آنها با یکدیگر پیوند خورده است.

۲-۴) حیات و اصالت جامعه در برابر اصالت فرد

علامه طباطبائی درباره هویت و شخصیت مستقل برای اجتماع از دیدگاه اسلام می‌نویسد: «قرآن کریم غیر از آنچه که برای افراد هست، وجود، عمر، کتاب، نیز حتی شعور، فهم، عمل، اطاعت، و معصیت را برای اجتماع قایل است؛ مثلاً درباره کتاب خاص برای هر امت می‌فرماید: ﴿كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا: وَ هِرْ اَمْتٌ بَه سَوِي كِتَابِ خَوَانْدَه مِي شَوْد﴾ (الجاثیه / ۲۸). درباره درک و شعور هر امت می‌فرماید: ﴿زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ: عمل هر امت را برای آن امت زینت قرار دادیم. در نتیجه، زشت را زیبا و زیبا را زشت می‌یابند﴾ (الأنعام / ۱۰۸) و درباره عمل بعضی از امت‌ها فرموده است: ﴿مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ: گروهی از آنها معتدل و میانه‌رو هستند﴾ (المائده / ۶۶). درباره طاعت امت فرموده است: ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ آيَاتِ اللَّهِ: امتی است قایم و شب‌زنده‌دار که آیات خدا را تلاوت می‌کنند﴾ (آل عمران / ۱۱۳). درباره معصیت امت‌ها فرموده است: ﴿وَهُمْ كَلَّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ، لِيَأْخُذُوهُ وَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ: و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد) و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند، اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم). بین که مجازات من چگونه بود!﴾ (غافر / ۵). نیز درباره خلاف‌کاری امت فرموده است: ﴿وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَّسُولُهُمْ قُضِيَ

بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ: برای هر امت رسولی است. پس همین که رسول آنان آمد، در میان آنها به قسط داوری شد ﴿یونس / ۴۷﴾.

از همین جاست که می‌بینم قرآن همان عنایت را که به سرنوشت اشخاص دارد، به داستان و تاریخ امت‌ها نیز دارد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۳-۱۵۲).

وی ضمن بیان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرد و جامعه درباره تأثیر رفتارهای فردی بر حیات جمعی و برعکس آن می‌نویسد: «فعل و انفعال اجتماع شعور در فکر و افعال افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، همچنان که رفتارهای فردی بر حیات جمعی دارد. به همین دلیل است که اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج، جهاد، نماز، انفاق و به طور کلی، تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داده است و قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعایر دینی و حدود آن کرده است و علاوه بر آن، فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمام منکرات را بر عموم واجب نموده است» (همان: ۱۵۴).

وی متذکر می‌شود که قرآن کریم علاوه بر اصلاح فردی، بر اصلاح اجتماعی نیز تأکید کرده است و در این باره می‌نویسد: «اسلام صلاحیت خود را برای هدایت مردم به سوی سعادت و پاکی حیات ایشان ثابت کرده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ﴾ او کسی است که رسول خود را با هدایت و آیین حق فرستاد ﴿التوبه / ۳۳﴾. سعادت انسان امری است مرکب از سعادت روح و سعادت جسم و یا به عبارت دیگر، سعادت او در آن است که از یک سو، از نعمت‌های مادی برخوردار شود و از سوی دیگر، جانش با فضایل اخلاقی و معارف حقه الهیه آراسته گردد. در این صورت است که سعادت دنیا و آخرت انسان ضمانت می‌شود و اما فرو رفتن در لذایذ مادی و به کلی، رها کردن سعادت روح، چیزی جز بدبختی نمی‌تواند باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۵-۱۶۲).

۵-۲) اولویت امر به معروف، نهی از منکر و اصلاح امور مردم و جامعه

قرآن کریم به منظور برپایی جامعه‌ای سالم و سرشار از فضایل و تهی از رذایل، بر نظارت عمومی و همگانی همه افراد جامعه بر رفتار یکدیگر تأکید می‌کند و می‌فرماید که این نظارت با امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌شود. در قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر مورد تأکید قرار

گرفته است و به عنوان دو واجب در میان فروع دین مطرح شده است و وظیفه‌ای است که مسلمانان در برابر یکدیگر در محدوده جامعه اسلامی و برای تضمین سلامت جامعه از زشتی‌ها ایفا می‌کنند.

هدف اصلی رسالت انبیاء تربیت و تزکیه انسان‌هاست و امر به معروف و نهی از منکر کارکرد مؤثری در تربیت انسان دارد. پیامبران و اولیای الهی نیز برای اینکه جامعه را از آفت‌ها و انحراف‌ها پاک نمایند، همواره قوم خود را از منکرات نهی می‌کردند و آنها را به کارهای پس‌ندیده و حسنه دعوت می‌نمودند و بدین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه دعوت خود قرار می‌دادند.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از سنت‌های مهم همه ادیان الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام است (الأعراف/ ۶۵، ۸۰، ۸۱ و ۸۵؛ هود/ ۵۰، ۶۲ و ۸۴؛ النمل/ ۴۵؛ الأنبياء/ ۵۶ و ...) و نباید گمان کرد که این امر فقط در عرصه اصلاح فردی و اخلاقی جریان دارد، بلکه در اصلاح و سامان‌بخشی عرصه‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. البته تقدّم اصلاح خویش بر اصلاح جامعه، الزاماً تقدّم زمانی نیست، بلکه تقدّم رتبی هم هست. لذا دست‌اندرکاران امور جامعه هر اندازه به اصلاح خود پرداخته باشند، توفیق بیشتری را در اصلاح جامعه به دست خواهند آورد و همزمان باید به هر دو مقوله توجه و اهتمام داشته باشند. خداوند متعال درباره ویژگی مؤمنان می‌فرماید: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ وَالْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (التوبه/ ۱۱۲).

علامه در تفسیر این آیه بیان می‌دارد که این جمله مؤمنان را به نیکوترین صفات آنان توصیف می‌کند. مؤمنین به‌خاطر اینکه از غیر خدا به سوی خدا بازگشتند، تائبان، چون او را می‌پرستند عابدان، و چون با زبان حمد و سپاس او گویند، حامدان، چون با قدم‌های خود از این معبد به آن معبد می‌روند، سائحان و به‌خاطر رکوع و سجود خود راکعان و ساجدان هستند. این وضع ایشان در حال انفراد است، اما وضع ایشان نسبت به حال اجتماع بدین صورت است که آنها مانند دیدبانانی هستند که اجتماع خود را به سوی خیر سوق می‌دهند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می‌نمایند، نه در حال انفراد، نه در حال اجتماع، نه در خلوت و نه در ظاهر از آن حدود تجاوز نمی‌کنند. علامه در ادامه می‌نویسد: «خداوند متعال در این آیه ابتدا او صاف فردی مؤمنان را ذکر نمود و بعد او صاف اجتماعی آنها را که ناشی از ایمان آنان است، بیان نموده است و می‌فرماید که مؤمنان با امر به معروف و نهی از منکر اجتماع صالحی را به وجود می‌آورند»

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۴۰). علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۱۰۴ سورة آل عمران می‌نویسد: «امر به معروف و نهی از منکر از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل‌الله است» (همان، ج ۳: ۵۷۷).

دین اسلام علاوه بر اینکه قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمام شعایر دینی و حدود آن کرده است و فریضه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از تمام منکرات را بر عموم واجب نموده است، برای حفظ وحدت اجتماعی هدف مشترکی را — که همان سعادت حقیقی، (نه خیالی) و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا است — برای جامعه اعلام نموده است (ر.ک؛ همان، ج ۴: ۱۵۵). دعوت به خیر باعث ثبات و استقرار عقاید حقه در دلها می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر مواعی را که نمی‌گذارد عقاید حقه در دلها رسوخ کند، از سر راه بر می‌دارد (ر.ک؛ همان: ۲۰۳). بنابراین، خدای سبحان امر به معروف و نهی از منکر را یکی از مشخصات روحی اسلام، بلکه یکی از پایه‌هایی نامیده که دین خود را بر اساس آن بنا نهاده و استوار ساخته است (ر.ک؛ همان، ج ۶: ۲۴۲).

۳- ویژگی‌های گرایش اجتماعی در تفسیر المیزان

تفسیر المیزان به عنوان یکی از بارزترین تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی است که برخی از ویژگی‌های آن به شرح ذیل است (ر.ک؛ همان: ۱۸-۲۵):

۳-۱ عقل‌گرایی در تفسیر المیزان

عقل‌گرایی یکی از ویژگی‌های تفسیر با گرایش اجتماعی است. دکتر ذهبی ضمن اشاره به گرایش اجتماعی در تفسیر، امتیازهایی را برای آن برمی‌شمرد و اشکال آن را آزادی زیاد عقل در تفسیر می‌داند که برخی حقایق شرعی را به صورت مجاز یا تمثیل ارایه می‌کند و به سوی روش معتزله پیش می‌رود (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۴۴۷-۴۰۱). این در حالی است که محمدهادی معرفت، گسترش عقل‌گرایی در این گرایش را از امتیازات آن می‌داند که جلوی روایات ضعیف و جعلی را در تفسیر می‌گیرد (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۵۳). با توجه به اینکه عقل‌گرایی یکی از مشخصه‌های بارز تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی است، لذا علامه طباطبائی نیز تبخّر کم‌نظیری در تفکر عقلی داشتند. لذا هر آیه مورد بحث را طوری تفسیر می‌نمودند که اگر در بین مبادی بین یا مبین عقلی دلیل یا تأییدی وجود داشت، از آن در خصوص معارف عقلی و نه احکام تعبّدی به عنوان استدلال یا استمداد بهره‌برداری شود.

ارزش‌گذاری مصلحان اجتماعی به عقل سبب شد تا در فهم قرآن نقش مهمی را به عقل واگذار کنند و همچنین برداشت آنان از قرآن در جستجوی پاسخگویی به نیازهای مردم و اصلاح امور جامعه اسلامی بود و رنگ اجتماعی داشت، به گونه‌ای که حتی از آیات به ظاهر اخلاقی، تاریخی، عبادی، مسائل اجتماعی را استنباط می‌کردند. آمیختگی این دو ویژگی که محصول دو اصل مهم اندیشه اصلاحی، یعنی عقل‌گرایی و جامعه‌نگری بود، موجب پدید آمدن مکتب عقلی - اجتماعی در تفسیر شد و پیروان بسیاری یافت.

تفسیر عقلی در هر زمانی ممکن است جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های خاصی داشته باشد. گاهی این گرایش‌ها در پاسخگویی به شبهات و یا طرح مباحث کلامی، سیاسی و حرکت‌های آزادی‌بخش و ضد استبدادی است و گاهی تفسیر عقلی به صورت طرح مباحث عرفانی، اشاری و یا علمی، اجتماعی و فرهنگی عصر مفسر است.

علامه طباطبائی معتقد است آیات قرآن با تأکید تمام، به تدبیر، تعمق و کوشش در معرفت خدا و آیات الهی به وسیله تفکر، تذکر، نظر و استدلال‌های عقلی دعوت می‌کند و روایات متواتر معنوی نیز در همین معنی آمده است. معنی ندارد به مقدمه‌ای که نتیجه‌ای را در پی دارد، امر شود، اما خود نتیجه ممنوع باشد. لذا دعوت به تذکر و تفکر، برای معرفت و شناخت و دستیابی به حقیقت است، نه برای چیز دیگر (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۸: ۱۵۳).

۲-۳) علم‌گرایی در تفسیر المیزان

از ویژگی‌های تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی، علم‌گرایی است. بنابراین، از آنجا که علامه طباطبائی آشنایی کاملی نسبت به مبادی برهان و شرایط مقدمات آن داشتند، در تفسیر آیات قرآن کریم هیچ‌گاه برای فرضیه علمی، ارج برهانی قایل نبودند و از استناد به هر گونه فرضیه غیرمبرهن در تفسیر آیه پرهیز می‌نمودند و پیشرفت علوم و صنایع را سند صحت آن فرضیه نمی‌دانستند و همواره خطر احتمال تبدل آن فرضیه را به فرضیه دیگر در نظر داشتند و می‌فرمودند ثابت را که قرآن کریم است، نمی‌توان به متغیر که فرضیه‌های زودگذر علمی است، تفسیر نمود و یا بر آن تطبیق داد (ر.ک؛ همان، ۱۳۷۴: ۲۲). در تفسیر المیزان علاوه بر تفسیر اجمالی و فشرده آیات، گاهی مباحث علمی، اجتماعی، تاریخی، فلسفی و ... بحث‌های بسیار عمیق و مهمی را که به مناسبتی با بعضی از آیات تناسب دارد، آورده است (ر.ک؛ کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۰). به عنوان نمونه در سوره مائده از آیه ۲۷ به بعد داستان دو فرزند حضرت آدم (ع) نقل شده است و جریان به کشته

شدن یکی از آن دو به دست دیگری منتهی می‌شود. خداوند متعال در آیه ۳۱ بیان می‌کند که فرزند آدم چگونه از دیدن یک کلاغ که زمین را می‌کاوید، به این نکته پی برد که باید جسد را دفن کند. علامه طباطبائی در ذیل این آیه یک بحث علمی پیرامون «معنای احساس و اندیشیدن» را آورده و می‌گوید: «علم، هدایت است و هر هدایتی از ناحیه خداست. پس تمام علوم به تعالیم الهی است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۵: ۳۰۶).

همچنین وی در ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره مباحث علمی مفصلی از جمله درباره آغاز پیدایش انسان، ترکیب یافتن انسان از تن و روان، ادراک واقعی انسان و ارتباط او با جهان، علوم عملی انسان، اینکه انسان موجودات دیگر را به سود خود استخدام می‌کند، انسان طبعاً مدنی است، پدید آمدن اختلاف در میان انسان‌ها، رفع اختلاف به وسیله دین، زندگی انسان بعد از دنیا، و ... را بیان کرده است (ر.ک؛ کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۱).

۴- آگاهی مؤلف از مسائل اجتماعی و تحولات آن

هدف اصلی مفسرانی که قرآن را از بُعد اجتماعی هم تفسیر کرده‌اند، بازگشت به آموزهای قرآن و آوردن این کتاب به متن زندگی مردم است. بینش مفسران اجتماعی آرایه یک نظام دینی است که حرکت، سازندگی و مسئولیت در جامعه را القا کند (ر.ک؛ ایازی، ۱۳۸۴، ج ۳۴: ۷۶-۷۴). علامه طباطبائی نیز ضمن آگاهی نسبت به مسائل و نیازهای جامعه در صدد آرایه راه حل آنها از قرآن کریم است. وی با چنین درکی از جامعه در ترسیم وضعیت حوزه‌های علمیة چنین می‌گوید: «وقتی به قم آمدم، مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی، بین آن نیاز و آنچه موجود بود، چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت که به عنوان جامعه اسلامی، قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند، ولی در حوزه‌های علمیة حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه کند و از آنها دفاع نماید، به قدرت استدلال عقلی احتیاج داشت. می‌بایست درس‌هایی در حوزه وجود داشته باشد تا قدرت تعقل و استدلال دانشجویان را بالا ببرد. چنین درس‌هایی در حوزه تدریس نمی‌شد. روحانیت به عنوان قشری از جامعه که عهده‌دار رهبری معنوی مردم است، باید آراسته به فضایل اخلاقی و آشنا به رموز معنوی باشد. چنین تعلیم و تربیت معنوی و اخلاقی هم وجود نداشت» (یادنامه علامه طباطبائی (ره)، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۹۶).

از دیگر ویژگی‌های علامه طباطبائی به موارد زیر می‌توان اشاره نمود که عبارتند از:

علامه طباطبائی مسائل احکام اسلام و فقه را تنها از زاویه احکام فردی نمی‌بیند. وی ضمن درک نیازها و مشکلاتی که گریبانگیر جامعه است، به دنبال اراییه راه حل‌های برگرفته از آیات قرآن کریم است. ایشان تلاش نموده تا آیات قرآن را بر زندگی و نیز اوضاع و احوال و نیازهای عصر جدید مردم تطبیق نماید. هم و غم وی ایجاد ارتباط میان آیات الهی و موقعیت اجتماعی و تمدن و تحولات روز است (ر.ک؛ ایازی، ۱۳۸۱: ج ۳۴: ۷۶—۷۴). توجه به دیدگاه‌های قرآن درباره روابط اجتماعی مسلمانان با هم با گفتاری پیرامون رابطه در جامعه اسلامی (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۳۳-۹۱)، توجه به مسأله وحدت و همبستگی امت اسلامی (ر.ک؛ همان، ج ۳: ۳۷۲-۳۶۹) و اهتمام نسبت به مسأله ارتباط مسلمانان با ملل دیگر و اصل نفی سبیل در سیاست خارجی اسلام (ر.ک؛ همان، ج ۵: ۱۱۶).

نتیجه‌گیری

در حالی که مفسران متقدم تلاش می‌کردند تا با تفسیر رهنمودهای اخلاقی فردی قرآن کریم رسالت خود را انجام دهند، با مطالعه و بررسی تفاسیر اجتماعی — که کتاب ارزشمند المیزان فی تفسیر القرآن از جمله آنهاست، بدین نتیجه می‌رسیم که بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن در سراسر زندگی مردم در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، از اهداف اصلی مفسرانی است که قرآن را از بُعد اجتماعی تفسیر کرده‌اند.

علامه طباطبائی ضمن تفسیر آیات قرآن کریم، حرکت، سازندگی و مسئولیت‌پذیری را در جامعه مورد تأکید قرار داده است و به این نکته اشاره می‌نماید که قرآن هدف رسالت خود را برقراری قسط و عدالت و ایجاد نظام اسلامی، اصلاح‌طلبی، تلاش، مبارزه و دفاع از مسلمانان معرفی می‌کند. با بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه می‌رسیم که علامه طباطبائی مانند دیگر مفسرانی که با گرایش اجتماعی به تفسیر آیات قرآن کریم پرداخته‌اند، نسبت به تفسیر آیاتی از قرآن که مسائل اجتماعی را بیان می‌کنند، توجه و اهتمام داشته است و ضمن آگاهی از مشکلات مسلمانان و تطبیق آیات قرآن بر زندگی مردم، به دنبال اراییه راهکارهایی برای درمان مشکلات اجتماعی است. وی به آموزه‌های تربیتی و ارشادی قرآن نیز توجه داشته است و متذکر می‌شود که وجود سنت‌های تاریخی و اجتماعی در قرآن و توجه به آنها موجب هدایت و تربیت انسان می‌شود. ایشان علاوه بر

پاسخ‌گویی به شبهات و اشکال‌هایی که مخالفان نسبت به اسلام و قرآن مطرح کرده‌اند، بیان می‌نمایند که اسلام دین عقل، قانون و مصدر خیر، برکت و اصلاح جامعه است.

از جمله اهداف علامه طباطبائی مانند هر مفسر اجتماعی دیگری، بازگشت آموزه‌های قرآن به متن زندگی مردم است. وی بر این باور است که قرآن کتاب هدایت و زندگی است و در این هدایت شایسته است که تفسیر به سمت و سوی نزدیک کردن قرآن با واقعیت‌ها و عینیت بخشیدن به مفاهیم هدایتی و اصلاحی آن در ابعاد مختلف پیش برود. از همین روی، تکیه بر پیوند قرآن با واقعیت‌های محسوس زندگی بشر مورد اهتمام و توجه علامه طباطبائی (ره) می‌باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

ابن فارس، ابوالحسن احمد. (۱۴۰۴ق.). معجم مقاییس اللغة. تصحیح و تعلیق عبدالسلام محمد هارون. قم: حوزه علمیه قم؛ مکتب الاعلام الإسلامی.

ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد. (۱۴۰۸ق.). لسان العرب. تعلیق و تهیة فهارس علی شیری. الطبعة الاولى. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.

اوسی، علی. (۱۴۰۵ق.). روش علامه در المیزان. ترجمه سید محمدحسین میرجلیلی. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

----- (۱۴۰۵ق.). الطباطبائی و منهجه فی تفسیر المیزان. طهران: منظمة الأعلام الإسلامی، معاویة الرئاسة للعلاقات الدولیة.

ایازی، سید محمدعلی. (۱۴۱۴ق.). الف سرون؛ حیاتهم و منهجهم. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

----- (۱۳۸۱). «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان». فصلنامه بینات. شماره ۳۴.

بستانی، فؤاد افرا. (۱۳۷۰). فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۸۵م.). صحاح الجوهری. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: امیری.

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۹۹۱م.). *التفسیر و التفسیر الحدیثہ*. تعریب عصام حسن. الطبعة الأولى. بیروت: دار الروضة للطباعة و النشر و التوزیع.

ذهبی، محمد حسین. (۱۹۶۱م.). *التفسیر و المفسرون*. القاہرہ: دار الکتب الحدیثہ.
راغب اصفہانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۲). *المفردات فی غریب الفاظ القرآن الکریم*. چاپ دوم. تہران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی.

رضایی اصفہانی، محمدعلی. (۱۳۸۵). *منطق تفہیم قرآن ۲: روش‌ها و گرایش‌های تفہیم قرآن*. چاپ دوم. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
رومی، فہد بن سلیمان. (۱۴۱۸ق.). *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر*. الطبعة الثالثة. بیروت: مؤسسه الرسالہ.

(۱۴۲۲ق.). *بحوث فی أصول التفسیر و مناهجہ*. الطبعة السادسة. ریاض: مکتبۃ التوبہ.

زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. دراسة و تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفکر.

زرکانی، محمد عبدالعظیم. (۱۴۱۷ق.). *مناہل العرفان فی علوم القرآن*. حقیقہ و اعتنی بہ فواز احمد زمرلی. بیروت: دار الکتب العربی.

زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۰ق.). *البرہان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفہ.
زمامہ، عبدالقادر. (۱۴۱۷ق.). *معجم تفہیم القرآن الکریم*. منشورات المنظمۃ الإسلامیة للتربیة و العلوم و الثقافة لایسیسیکو.

سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراہیم. قم: الشریف الرضی.

(۱۳۶۳). *الاتقان فی علوم القرآن*. ترجمہ سید مہدی حائری قزوینی. تہران: انتشارات امیرکبیر.

طباطبائی، سید محمد حسین. (بی تا). الف. *اسلام و اجتماع*. قم: انتشارات پیام اسلام.

(بی تا). ب. *فراہی از اسلام*. تنظیم سید مہدی آیت اللہی. قم:

انتشارات جہان آرا.

- (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۶ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن و الفرقان*. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
- علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱). *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*. چاپ اول. تهران: انتشارات اسوه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق). *قاموس المحيط*. بیروت، المؤسسة الرسّالة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۷). *قاموس قرآن*. تهران: دار الكتاب الإسلامیه.
- کلانتری، الیاس. (۱۳۷۷). *راهنما و فهرست تفسیر المیزان*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- گلدزیهر، ایگناس. (۱۳۸۳). *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*. ترجمه سید ناصر طباطبائی. تهران: انتشارات ققنوس.
- یادنامه علامه طباطبائی (ره)*. (۱۳۶۳). تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). *حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی*. تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیه.
- (۱۳۸۰). *تفسیر و مفسران*. ترجمه علی خیاط. چاپ اول. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی التمهید.
- معلوف، لويس. (۱۹۹۲م). *المنجد فی اللغة*. الطبعة الثالثة و الثلاثون. بیروت: دار المشرق.
- مهدوی‌راد، محمدعلی. «جایگاه المیزان در میان تفاسیر». *نشریه کیهان فرهنگی*. سال ششم. شماره ۸.
- Ali, Syed Ameer. (۱۸۹۱). *the spirit of Islam or The life and teachings of Mohammed*. London: W. H. Allen.

